مطالعات محیطی هفت حصار شماره سی‌وسوم/ سال نهم/ پاییز ۱۳۹۹
صفحات ۶۲-۴۳

بررسی سازوکار اثرگذاری ویژگی‌های کالبدی- معنایی تهی بر تعاملات اجتماعی*

زهره عطارعباسی**، علیرضا عینی فر***، منوچهر فروتن****، محمد مهدی سروش*****

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۵/۳۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۷/۲۴

چکیده

ژرفای مفهوم تهی دامنه تأثیرات آن را از حوزه فلسفه تا علوم مختلف و حتی انواع هنر گسترانیده و غیبت آن، جایگاهی رمزآلود بدان بخشیده است. در معماری به دلیل اهمیت اثر فضا و اجزا معماری بر رفتار، تهی نقش پر رنگ‌تری می‌یابد که به نظر می‌رسد در معماری معاصر کمتر بدان پرداخته شده است. چنانچه از تهی، بدون توجه به معنای پنهانش، به عنوان «فضای خالی» یاد می‌شود و حال آنکه همه فضاها در معماری خالی هستند و در غیر این صورت توده به حساب می‌آمدند. تحقیق حاضر، با توجه به مفهوم تهی در معماری و تأثیرات آن بر رفتار، ویژگی‌های کالبدی و معنایی تهی و اثربخشی آنها بر روابط اجتماعی افراد را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. اینکه مؤلفه‌های کالبدی و معنایی تهی چه تأثیری بر مؤلفه های اجتماعی فضا دارند؟ به عنوان اصلی‌ترین سوال تحقیق مطرح می گردد. دستیابی به الگوی جامع در زمینه چگونگی استفاده از ویژگی های تهی در جهت بهبود کیفیتهای فضایی همچنین افزایش و یاکنترل تعاملات اجتماعی در محلها و موقعیتهای متفاوت، به عنوان هدف تحقیق مد نظر قرار گرفت. بنابراین پیوستگی حاصل از تهی به عنوان متغیر مستقل و تعاملات اجتماعی حاصل از آن به عنوان متغیر وابسته معرفی گردید. به دنبال پی‌ریزی روش تحقیق ترکیبی کمی – کیفی آمایش اولیه در پنج کاربری مختلف و آمایش اصلی، در سه کاربری مختلف، بصورت توزیع پرسشنامه، مشاهده دقیق و مصاحبه در محل صورت گرفت. اطلاعات بدست آمده به روش کیفی و تحلیل اطلاعات به روش کمی و با استفاده از نرم افزار Smart PLS انجام گرفت. نتایج حاصل از تحلیل ها نشان می‌دهد، مؤلفه‌های کالبدی و معنایی تهی، در قالب پیوستگی فضایی، تمایلات اجتماعی میان افراد را در مکان‌هایی با کاربری غیررسمی افزایش داده است.

واژگان کلیدی

تهی، پیوستگی فضایی، تعاملات اجتماعی، مکان رفتار.

* این مقاله بر گرفته از رساله دکتری زهره عطارعباسی، با موضوع" تحلیل مفهوم پیوستگی اجتماعی- فضایی متأثر از وید در محیطهای عمومی معماری" می‌باشد که در سال ۱۳۹۹ به اتمام رسیده است.

** دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. zohreattarabbasi@rocketmail.com
*** استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) aeinifar@ut.ac.ir
**** استادیارگروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. manouchehr.foroutan@gmail.com
***** استادیارگروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. goodarzysoroush@gmail.com

مقاله پژوهشی- کاربردی
©: IAUH
ISSN: 2322-5602

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

مقدمه

وسعت مفهوم تهی نه تنها موجب بسط آن در حوزه علوم مختلف، فلسفه و هنر گشته، بلکه با گذشت زمان بـر مبنـای ایـدئولوژی جوامـع, در میانه موجودیتی مادی و غیر مادی در تلاطم بوده است. خواستگاه تهی به آیین‌های شرقی و تفکر ذن باز می‌گردد. هر چنـد در غـرب نیـز در روم باستان رد پای مفهوم تهی با سرچشمه‌هایی از نگرش مردم آن دوران به جهان مشاهده می‌شود. در تاریخچه فلسفه به عنوان سوال اصلی فیلسوفان و در تاریخچه علم مبتنی بر موجودیت آن مورد توجه قرار گرفته است. متفکران معاصر بر معنای تهی به عنوان «عدمِ خالی» تاکیـد نموده‌اند؛ چنانچه لاکان تهی را جایگزین مناسبی برای معنا و ارزش‌های متعالی غیر متجسد معرفی می‌نمایـد. در معمـاری، محققـان تهـی را سرشار از انرژی می‌دانند که بر اساس آن سازماندهی فضایی صورت می‌گیـرد (Smithson&Smithson,2005,15). عناصـر معمـاری بـر اساس نقشی که در فضا ومحیط بر عهده دارند تأثیر عمیقی بر رفتار ایجاد و تعیین کننده رفتار افراد در فضـاها مـی باشـند. بـر مبنـای همـین موضوع جایگاه تهی در معماری و تأثیر بر فضاها و بر رفتار مورد توجه ویـژه‌ای قـرار مـی‌گیـرد. تهـی خـود بـه عنـوان یـک عنصـر کالبـدی (Alexandrt,2004) با ویژگی‌های کالبدی و معنایی بر فضای معماری اثرگذار است و از سوی دیگر به دلیل خاصیت سیالیت و تأثیر پذیری از رفتار کاربران و فضاهای اطراف، خود را با محیط تطبیق می‌دهد. بطور کلی روانشناسی محـیط زمینـه را بـرای مطالعـه محـیط بـر اسـاس مداخلات انسانی فراهم نموده است. دستیابی به درکی بهتر نسبت به تعامل رفتار انسان و محیط زندگی وی از اهداف این مطالعات است. ایـن امر در ابتدا بر مبنای ادراک مستقیم محیط از طریق ارگانهای حسی در نظر گرفته شد و در قالب واژه های فیزیکی و فضایی، طبیعی و سـاخته شده، در مقیاسهای خرد و کلان مورد نظر قرار گرفت (Craik, 1970). در این راستا هنگام در نظر گرفتن محیط انسان‌ساخت، رفتار انسـان به‌مثابه نتیجه و پیامده محیط طبیعی قلمداد شد و از اینرو بررسی واکنشها، به محیط بر اساس فرایندهای روانشـناختی مطالعـه شـد. همزمـان تمایز میان تاکیدات شناختی و رفتاری در این حوزه شکل گرفت. به‌طورکلی روانشناسی محیط به صورت کلاسیک به تعاملات رفتار و محـیط می‌پردازد که به تدریج با تأکید بر وجه فیزیکی- فضایی محیط به‌عنوان بخش تشکیل دهنده فعالیت‌ها و تجارب انسان حوزه مشخص تری به خود گرفته است. پروشانسکی و فابین مشاهده نمودند جهان فیزیکیِ خارج و ویژگی‌هایش، نتایج و پیامدهایش بر رفتار و تجربه شخص، اغلب کاملاً فارغ از آگاهی وی است(Proshansky &Fabian ,1986). متأثر از این ویژگی‌ها، شخص نمـی‌توانـد ایـن تـأثیرات را شناسـایی و تبدیل به فعل نماید. در واقع تنها توسط تحلیل عینی مشاهده گر خارجی است که تأثیر محیط فیزیکی بر رفتار و تجربه شخص قابل تشخیص می‌گردد. اگرچه تأثیر قرارگاه فیزیکی بر رفتار و تجربه شخص که آگاهی و تفاسیر وی را متأثر می سازد می‌بایست در نظرگرفتـه شـود. ادوارد تی.هال (Hall,1966) ویژگی فیزیکی - فضایی محیط را تعریف نمود. مطالعات پایه فیزیکی- فضایی محیطِ پیرامون و بستر و نـوع رفتـار انسان با مطالعات بارکر، آلتمن، سامر و دیگر نظریه پـردازان در همـین حـوزه پـی‌ریـزی شـده‌انـد(Sommer,1987;1987 & Altman Stokols). از نظر بارکر محیطها به وجود آورندگان مکان‌های رفتار هستند. در واقع این محیطها هستند که با ایجاد مکان‌هایی بـرای رفتـار، موجب بروز فعالیت‌ها در مکان رفتارها می شوند(Barker, 1968). مطالعات اولیه نشان می‌دهد گشایش فضایی، اصلی‌ترین مؤلفـه تهـی در فضای معماری، بر چگونگی رفتار کاربران مؤثر بوده و از سوی دیگر رفتار و نوع فعالیت در فضای عمومی فرم و ویژگی‌های گشـایش فضـایی مذکور را تبیین می‌نماید. مطالعات اولیه صورت گرفته مبیّن نقش تسهیل‌کننـدگی و یـا بازدارنـدگی تعـاملات اجتمـاعی افـراد در هـر یـک از مکان‌های رفتاری، مبتنی بر نوع کاربری و هدف کاربران از حضور در فضا می باشد. بنابراین اثر پذیری فعالیتها و رفتار کاربران بواسطه تهـی، در فضاهای عمومی، به عنوان فرضیه تحقیق و چگونگی این تأثیرات بر مؤلفه‌ها به عنوان پرسش اصلی تحقیق تدقیق گردید. از سـوی دیگـر در میان تحقیقات و ارجاعات ارائه شده، موضوع چیستی و موجودیت تهی مورد توجه محققان بوده است. در معماری نیز تنها به مطالعه تهی در معماری سنتی بسنده شده و تأثیرات تهی بر فضاها و یا بر رفتار مورد اغماض واقع شده است. بر همین اساس در این پژوهش، مطالعات تهـی در حوزه علوم رفتاری و روانشناسی محیطی پی‌ریزی گردید.

پیشینه تحقیق

از آنجا که پژوهش در زمینه «تهی» انجام گرفته است، تحقیقاتی که در آنها به مفهوم «وید» یا «تهی» پرداخته شده باشد به عنوان پیشینه‌ی این تحقیق به شمار می روند. بیش از دو هزار سال است که فیلسوفان و فیزیک دانان این سئوال را می‌پرسند که وید چیست؟ در تاریخ علم و فلسفه، بیشترین موارد سوال در مورد هستی و فلسفه وجودی وید و اینکه آیا ویـد «وجـود» دارد یـا «موجودیـت نـدارد» مطـرح بـوده اسـت (Denkel, 1998:57). به گفته ارسطو تهی نه در مکان، نه فضای خالی و نه زمانی خارج از کیهان می توانست وجود داشته باشد. بنابراین، «ارسطو» امکان فضای تهی را به طور کلی رد کرد و ادعای مشهور خود را برای عدم امکان آن بر روی زمین پیشنهاد نمود: "طبیعت از خـلاء

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

بیزار است." (Ibid: 58). بعدها موضوع تهی بوسیله تئوری «همه مواد از اتم تشکیل شده‌اند» توسط اتمیست ها تاحدودی روشن‌تر شد. زیرا مابین و درون اتم‌ها تهی است و بدون تهی حرکت و جنبشی وجود نخواهد داشت. فاصله میان ذرات، پر از نیروهایی است که آنها را در جای خودشان محفوظ می دارد. درحالیکه نظریه‌ی نسبیت عام، نیروی گرانش و ساختار بزرگ مقیاس جهان قابل مشاهده را توضیح می‌دهد، مکانیک کوانتوم با پدیده‌ها در مقیاس اتم سروکار دارد (Hawking, 2005 :19-20). امروزه با نظریه‌ی نسبیت عام و مکانیک کوانتوم بیش از یک توضیح واحد برای وید وجود دارد. توصیف سیاهچاله‌ها، به نظریه‌ای اشاره دارد که در آن نور از ذرات تشکیل می‌شود و به همین دلیل تحت تأثیر گرانش قرار می‌گیرد. هر نوری که از سطح ستاره خارج می‌شود، قبل از آنکه بتواند بسیار دور شود، توسط گرانش ستاره کشیده می‌شود. این ویدهای سیاه در فضا، سیاه‌چاله‌ها هستند (Hawking, 2005 : 64). سیاهچاله‌ها تنها به شکل خالی در فضا دیده می‌شوند. نظریه‌ی کوانتوم این فضا را به عنوان فضایی که ممکن است انرژی باشد معرفی می نماید (Close, 2007: 113). بسیاری از اندیشمندان با تعمق در مفهوم تهی دامنه مطالعات در این زمینه را در حوزه های فلسفه و هنر نیز بسط داده اند.«لائوتسه[1]»، فیلسوف چین باستان، اهمیت مفهوم وید را در حوزه طراحی آشکار می نماید. ایتن و کپس نیز مطالب یکسانی را در بذل زبان بصیرت وی نقل کرده‌اند. کنراد نه تنها خلاصه‌ای از حرف‌های لائوتسه را به شکل یک آیین،« واقعیت یک ظرف، وید داخل آن است» نقل می‌کند، بلکه فصلی از کتاب خود را که در آن معماری مدرن به بحث گذاشته شده، به نام «ظرف‌ها و ویدها» می نامد.(Conrad, 1998 : 275-299) «ماتیلدا مارکولی» در کتاب خود تحت عنوان« هیچ چیزِ گوناگون» به موضوع تهی در هنر پرداخته است. «فرضیه وید» نام تحقیقی است که توسط میراج احمد و مارتین جامسون انجام گرفته است. آنها با انتخاب مکانی به عنوان نمونه مطالعه به بررسی تغییرات در ویدها در مقیاس شهری پرداخته‌اند. نادر لاهیجی در کنفرانس ACSA در برلین مقاله‌ای با عنوان «وید و خاطره» ارائه نموده است که در آن به بسط نظریات در حوزه تهی پرداخته و منشا تفکرات معماری لیبسکیند را در اعماق ادراکات فروید و لاکان از فضا می‌یابد.

مفهوم وید در حوزه عرفان و فلسفه نیز توجه محققان را به خود جلب نموده است. «گونتر نیتشکه» متفکر و معمار آلمانی در مطالعات خود، وید در تفکر ذن را عمدتاً کیفیتی معرفی می‌کند که از عرصه حضور مرئی تا نامرئی گسترش می‌یابد. وید با زمان تلازم دارد و در عین حال معرف برخی مفاهیم کمیّ است (اعتضادی، ۱۳۸۴: ۱۵). همچنین در مجله کیوتو تحت عنوان«مکان، فضا و وید» تاریخچه و نقش وید درفرهنگ و معماری مردم ژاپن را ایضاح می نماید. «اویاماتسو» محقق ژاپنی در تحقیق خود مفصلاً به معنای وید در هنر و معماری کلاسیک و مدرن ژاپن و تأثیرات آن بر هنر غرب پرداخته است. «سید حسین نصر» در زمینه جایگاه مفهوم تهی در عرفان و هنر ایرانی و بخصوص معماری ایران ارجاعات فراوانی ارائه نموده است. «لیبسکیند» وید را مستقل و جایگزینی برای آنچه صاحب ارزش و معنا در معماری است می‌شمارد. چنانچه در طرح‌های خود در موزه یهود برلین و یادبود یازده سپتامبر، آن را جایگزینی غیرمادی و دارای ارزش برای رفتگان معرفی می‌نماید. در مطالعات عنوان شده، تحقیقی که به تأثیرات وید بر فضای اطراف و بر رفتار بپردازد، ملاحظه نمی‌شود. در همین راستا توجه به وید از دیدگاه روانشناسی محیط مورد مداقّه قرار گرفته و نوآوری تحقیق حاضر بشمار می‌رود.

مبانی نظری

در مورد این سوال که"وید چیست؟" پاسخ کاملاً معلوم نیست. شاید به این دلیل است که وید به «نبودن»، « نیستی» و «عدم» مربوط است و نه به «بودن»؛ با این وجود، درک مشترکی است که «تهی بودن» را توصیف میکند و در ترجمه متون معماری به «فضای خالی» تعبیر می شود. حال آنکه فضا به خودی خود خالی ست ! (Lahiji, 1997: 148;Cited by Libeskind) فضا اگر پر باشد دیگر فضا خوانده نمی شود بلکه توده ست. واژه [void]در ادبیات زبان انگلیسی با کلماتی مانند: devoid, vacant, vacuous هم ریشه است و با وجود اینکه با واژه «emptiness» هیچ ریشه مشترکی ندارد (Saner, 2014: 9) مترادف معرفی می‌شوند. واژه وید در فرهنگ و زبان انگلیسی، اگر به عنوان یک صفت برای مکان باشد تحت عنوان «جایی که اشغال نشده»، به معنای «آزاد بودن از...» یا «فاقد چیزی بودن» نیز هست. «devoid of» به معنای «خارج از عقل سلیم» می باشد. در اصطلاحات بانکی و اقتصادی، به معنای «نامعتبر[2]» است. همچنین به عنوان فعل می تواند به «خالی کردن» تعبیر شود یا «اجتناب کردن از... [3]» (Oxford, V:461). در قلمرو طراحی فضا، [void] هم به معنای «پیش زمینه» و هم به معنای متضاد «پُر»، بکار می‌رود. برای رسیدن به تعادل بصری، پُر و خالی ملزومات طراحی فضایی هستند. در سوی دیگر، «ما[4]»[間] واژه ژاپنی است با مفهوم و هویت بینابین که در زبان انگلیسی ترجمه معین و مشخصی برای آن وجود ندارد ولی از نظر مفهومی می‌توان آن را با واژه [void] و با واژه «تهی» در فارسی تا حدودی معادل دانست. عده ای از بودائیان ژاپنی از «ما» برای بیان کردن تهی بودن استفاده کرده‌اند. نمونه‌ای از آن اشعار راهب سایگو، شاعر قرن۱۲ میلادی، است که کلمه «ما» را معادل تهی بودن و [void]، در

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

اشعارش استفاده کرده است (Lafleur, 1974). به منظور جلوگیری از بروز هر گونه اشتباه در انتقال مفاهیم، در متن پژوهش، واژه «تهی» بدون پیشوند فضا، به معنای«وید در معماری» بهره گرفته شده است. همچنین مبتنی بر رویکرد این تحقیق که روانشناسی محیطی است وجه کالبدی وید مد نظر قرار گرفته و به دلیل تخصصی بودن و آشنایی کامل معماران با ابعاد کالبدی و معنایی واژه‌ی مصطلح شد، از واژه انگلیسی نیز آن بهره گرفته شده است.

نظریه‌پردازان تهی: وسعت مفهوم «تهی» در حوزه‌های گوناگون، آن را در دسته مفاهیم بنیادین و در ساحت عرفان و علم قرار داده است. چنانچه کریستوفر الکساندر در نظریه پردازی‌های خود آن را مورد توجه و واکاوی قرار می‌دهد. آراء وی در زمینه سرشت جهان و حقیقت ماده نزدیکی زیادی با عرفان شرقی و بیان مشترکی با فیزیک مدرن دارد و بر جنبش حرکت و آگاهی ذات هستی تاکید می‌ورزد. به باور الکساندر ذات حقیقی ماده «تهی» است (کاپرا, ۱۳۶۶: ۲۶۶). وی مفهوم بنیادین تهی را به دو صورت «تهی غیرمادی» و «تهی مادی» انگاشته است. تهی«غیر مادی» تهی بزرگ، پیش‌زمینه و سرچشمه هستی است. «تهی عظیم» بالقوه، زنده و آگاه است(Alexander, 2004:318). وی به صورت دیگری از تهی با مضمون «غیر مادی» نیز اشاره دارد و «تهی» درون ماده را معرفی می‌نماید؛ سرشت و ذات ماده از جنس جهان هستی است و همگی یکی و متعالی می باشند. این همان ذات ماده است که برای ساختن می‌بایستی از سوی معماران ادراک شود (Ibid:45). الکساندر در مضمون «مادی»، ساحت کالبدی را برای تهی مطرح می‌نماید. مبتنی برآن تهی توسط کالبد فیزیکی احاطه شده، تکمیل کننده و مکمل آن است. وی برای تهی«مادی» ظرفیت‌های بالقوه‌ای قائل است که می‌تواند با الفعل شود جایگاهی برای نور و متضمّن تعادل در ساختمان که به عنوان «چیز», «مثبت» و «نامرئی» و در تکمیل حجم مطرح می‌گردد. در این حالت، مرزهای تهی با احجام اطرافش مشخص می شود بنابراین دارای حد است و بوسیله همین مرزها قابل درک است. از قوانین شفافیت پیروی می‌نماید و به دلیل امکان انجام فعالیت یک مکان است (Ibid:73-76). مبتنی بر تفکر الکساندر تهی با ساختار کالبدی و یا غیر کالبدی، فضایی خالی اما مثبت است که گشایش فضایی حاصل از آن عمق بصری را به تصویر می‌کشد. همچنین جایگاه استقرار تهی در ساختمان چینش خاص از سایر فضاها را پیش روی معمار قرار می‌دهد. بواسطه شفافیت و سادگی، پیچیدگی فضاهای اطراف را خنثی و آن را بصورت خالص، خوانا و صریح متجلی می‌سازد. بر همین مبنا تهی هم با محتوای غیرکالبدی وهم محتوای کالبدی، دارای روح متعالی می باشد که این امر با فضای منفی و تفکر نهیلیستی منافات دارد.

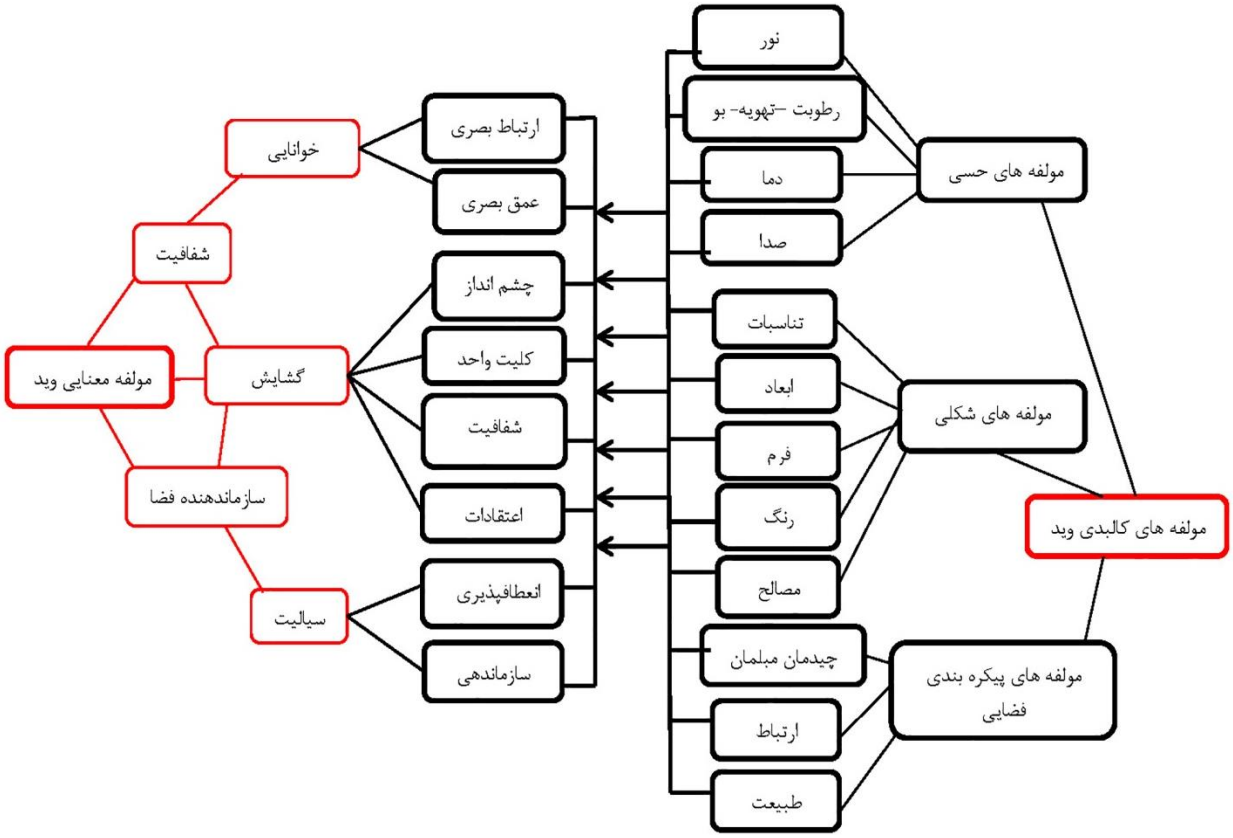
پیوستگی یا گسست فضایی حاصل از تهی: پیوستگی فضایی در وید به عنوان متغیر مستقل در پژوهش حاضر مد نظر قرار گرفته است. در معماری مدرن گسترش فضای داخلی جایگاه والائی دارد. به باور زیگفریدگیدئون شفافیت یکی از کیفیات بنیادین تولیدات هنری است و می تواند نشان از ریشه های هنر و معماری گذشته باشد (گیدئون, ۱۹۶۲: ۴۲) و عاملی در جهت نیل به پیوستگی فضایی، در داخل یا خارج و یا ما بینِ داخل و خارج بنا، مورد توجه قرار گیرد. میرمیران بر مبنای تفکرات زوی معتقد است، در تبعیت از کاهش ماده، گسترش فضای داخلی است که امکان دید را افزایش می دهد (میرمیران، ۱۳۷۷: ۶۷). در راستای روند کاهش ماده در نهضت مدرنیته، بعضی متفکران، حرکت را عامل ادراک صحیح فضای داخلی می‌دانند و یا آن را معیار جدایی مرز هنرهای مختلف مانند مجسمه سازی و نقاشی با معماری بر می‌شمارند (زوی،۱۳۷۶: ۲۸). امکان حرکت در عرصه تهی نه تنها خوانایی و ارتباطات بصری در فضا را افزایش می‌دهد بلکه زمینه‌های ارتباطات اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد.

در میان متفکران معناگرا گسست فضایی معنای پیوستگی را تقویت می نماید. الکساندر معتقد است هر نوع پیوستگی درونی میان عرصه‌ها از طریق فضاهای حد فاصلِ خاصّ آن عرصه‌ها بدست می آید. در واقع گسسته بودن عرصه ها را نشانه ای از وجود نوعی پیوند و پیوستگی میان آنها معرفی می نماید (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۶) عدم وجود مرز واضح میان عرصه‌ها و گذر از عرصه‌ای به عرصه دیگر بصورت پی‌درپی و سلسله بهم پیوسته فضاهای متفاوت، مجموعه‌ای پیوسته را حاصل می نماید. چنانچه همین موضوع از دریچه نگرش معماران اکولوژیست، در یک فضای فعالیت، مقرّهای رفتاری متنوع که فعالیت‌ها و الگوهای جاری در آنها پایدار هستند از یک سو و مقرّهای رفتاری که رابطه بین مقرّهای فعالیت را برقرار می‌نمایند(Lang,1986). از سوی دیگر مجموعه از عرصه‌های مختلف را شامل می‌شوند که به صورت پی‌درپی و بهم پیوسته در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در واقع فعالیتها خود پیوستگی فضایی را حاصل می آورند و محلهای گسست را پوشش می‌دهند. بر همین مبنی سلسله مراتب بین عرصه‌ها حاصل روابط میان آنهاست (چرمایف و الکساندر ,۱۳۷۶). در این رابطه، حد فاصل عرصه‌ها کاملاً محفوظ می‌ماند و پیوستگی درونی هر عرصه حفظ می‌گردد. گشایش فضایی حاصل از تهی در فضاهای عمومی، فرصت ایجاد پیوستگی مقرهای رفتاری را ایجاد می نماید که در امتداد افقی و عمودی مستقر می باشند. در فرایندهای ذهنی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

برانگیخته شده که توسط نیازهای انسانی هدایت می شوند اطلاعات محیط، بوسیله فرایند ادراکی حاصل می گردد. این طرح واره ها تا حدودی فطری و تا حدودی آموختنی هستند و پیوند ادراک و شناخت را برقرار می سازند. طرح واره‌ها نه تنها فرایند ادراک بلکه واکنش های احساسی (عاطفی) و اعمالی (رفتار فضایی) را هدایت می نمایند و در مقابل این واکنش ها، طرح واره-های ذهنی حاصل از رفتار ادراک شده، تحت تأثیر قرار می گیرند. احساسات و کنشهای انسانی، توسط قابلیت‌های محیط طبیعی و ساخته شده، محیط فرهنگی و شخصیت درونی انسان محدود می گردند. مبتنی بر همین موضوع افزایش عمق بصری، ارتباط حرکتی و بصری، شفافیت مصالح، انعطاف پذیری و سلسله کوتاهتری از مراتب، ادراک پیوستگی فضا را افزایش می دهند. افزایش پیچیدگی در این نوع زبان فضایی و روابط عناصر، سبب درک ناخوانایی می‌گردد که با تکیه بر اصل سلسله مراتب و پیوستگی فضایی جبران پذیر خواهدبود(فون مایس ,۱۳۸۴: ۱۲۴).

تصویر ۱- مؤلفه های کالبدی و معنایی تهی و روابط آنها



قرارگاه رفتاری متأثر از تهی: بر اساس مطالعات، بی‌اف اسکینر نتیجه‌گیری می‌کند که تقریباً بیشتر رفتارهای انسان تحت تسلط و نفوذ عوامل تقویت کننده محیط بوجود می آیند و انسان موجود فعالی ست که روی محیط خود عمل می‌کند؛ بنابراین مطالعات علوم رفتاری مستلزم مطالعات محیطی می باشند. هدف بنیادین علوم رفتاری بنای نظریه اثباتی در راستای توصیف و تبیین پدیده هاست. با انجام چنین کاری دانش حاصل می‌تواند پیش بینی الگوهای فعالیتها و ارزشها را میسر سازد (لنگ، ۱۳۹۳: ۲۴). یکی از مهمترین تحولات علوم رفتاری، بوجود آمدن رشته روانشناسی اکولوژیک توسط بارکر بوده است (Barker, 1986; Gump, 1978). بنابراین در تحقیق، منطبق بر نظریه بارکر و در جهت دستیابی به اهداف پژوهش، رفتارهای فردی در نمونه های مورد مطالعه بصورت روزمره مورد توجه و مشاهده دقیق قرار گرفت. بارکر الگوهای رفتار را در ارتباط با مکان کالبدی، همان رفتار توصیف می کند و برای آن از «قرارگاه رفتاری» استفاده کرده است (لنگ، ۱۳۹۳: ۱۲۷). در پی تشریح ارتباط رفتار و محیط در قالب زمانی و مکانی و بر اساس این نظریه، محیط ساخته‌شده نقش محوری در توضیح رفتار انسان دارد و رفتار فرد وابسته به فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است که محیط در اختیارش قرار می‌دهد. تأثیر و تاثر محیط و رفتار

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

وابستگی این دو حوزه را نسبت به یکدیگر اجتناب ناپذیر ساخته است. رفتار را نمی توان مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد و باید در بستری محیطی تعریف نمود(آلتمن، ۱۳۸۲ : ۲۵۲). بر همین مبنا قرارگاه‌های رفتاری نیز تحت تأثیر رفتار هستند وکاربران از الگوهای جاری رفتار پیروی می نمایند؛ در حالیکه به طور همزمان، از مکان نیز برای رسیدن به اهداف خودشان بهره می‌برند. مکان‌های رفتاری انتزاعی و یا ذهنی نبوده بلکه عینی می‌باشند، در زمان و در فضا هستند و دارای مرز و حریم تلقی می‌شوند. امکان حرکت، ورود و خروج دارند. این مکان‌ها همیشگی هستند و الگوهای جاری رفتار در آنها جریان دارند (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۲۸). با در نظرگیری ویدها به عنوان قرارگاه رفتاری، از الگوهای جاری رفتار پیروی می‌نمایند. دارای مرز و حریم می‌باشند و محصوریت آنها با رفتار کاربران قابل مشاهده است. اما به عنوان عنصر نامرئی معماری مرزهای قابل رویت ندارند. بنابر پژوهش‌های بعدی که توسط ویکر در سال ۱۹۷۹ انجام گرفت، دو عامل دیگری که درتبیین مکاهای رفتاری مؤثر واقع می شوند ویژگی‌ها و برنامه های فردی، تمایزات فرهنگی از یکسو و ویژگی های محیطی و جغرافیایی از سوی دیگر به عنوان کنترل‌گر در یک مکان رفتار تأثیر گذار می باشند(Lang, 1986:140). لوین باور دارد که بازنمایی درونی فرد از محیط اطراف، عامل اصلی تعیین حرکت در فضای زندگی است. به بیان دیگر، باورهای فرد در مورد محیط که به شکلی ذهنی بازنمایی شده است، بیش از خود محیط، بر رفتار او تأثیر می گذارند (مک اندرو، ۱۳۸۷ : ۲۸) و مدنی پور مکان را فضای اشغال شده توسط کاربر که دارای معنا و ارزش است، معرفی می نماید؛ مکان دارای امنیت بوده و پایدار است. هویت یک مکان آمیزه ای خاص از روابط اجتماعی است(مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۲-۳۳). بنابراین نقش باورهای اجتماعی، اعتقادات، امنیت و هویت را در تعیین رفتار افراد در محیط، نمی توان نادیده انگاشت. روان شناسان گشتالت نیز معتقدندکه انسان‌ها به اینکه دنیای ادراکی خود را تا حد امکان ساده سازمان دهند، تمایل ذاتی دارند.بنابراین تمایل کاربران به ادراک فضاها بصورت کلیت واحد نیز به عنوان ویژگی دیگر تأثیرگذار بر رفتار در محیط شمرده می شود. مبتنی بر تئوری‌های نظریه پردازان، وید در ساختار کالبدی(Alexander,2004:318) به مثابه قرارگاه رفتاری، حائز مؤلفه‌های کالبدی و معنایی می باشد (تصویر۱). در مطالعات اولیه، بر اساس ویژگی‌های مؤلفه‌های کالبدی، همچنین بر مبنای تأثیرگذاری آنها بر کیفیتهای فضایی دسته بندی بزرگتری حاصل آمد؛ که ویژگی‌های معنایی را بوجود می‌آورند.

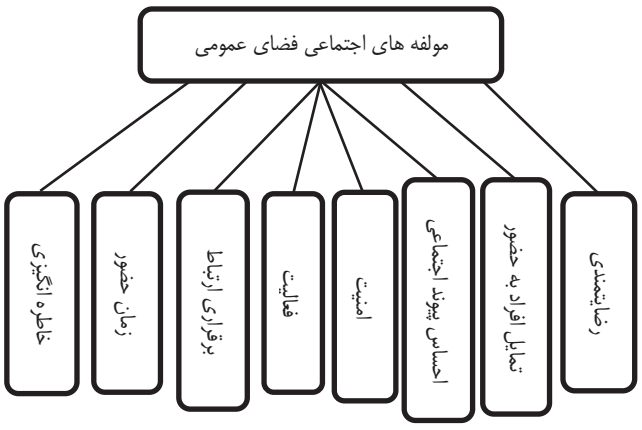
مؤلفه‌های اجتماعی متأثر از مؤلفه‌های پیوستگی فضا: مطالعات محیط و رفتار نشان داده‌اند که اندازه، جمعیت و تراکم مشخصه‌هایی هستند که بر نظام رفتاری کاربران در محیط انسان‌ساخت تأثیر گذار می‌باشند. علاوه بر این اندازه محیط بر کارکرد محیط به‌عنوان مکان رفتاری مؤثر است (Wirth,1938). طرح مکان رفتاری توسط بارکر مبنای قابل اعتمادی را برای بسیاری از مطالعات حوزه رفتاری فراهم آورده است. بر مبنای نظریه وی وابستگیِ متقابلِ مکان‌های رفتاری بر اساس درجه‌بندی میزان متغیرهای زیر، سنجش می‌گردد (193 , Bechtel & et al, 1987). کاربران مکان‌های رفتاری، اهداف مشابه مکان‌های رفتاری، فضاهای کالبدی همسان مکان‌های رفتاری، چیدمان مکان‌های رفتاری، واحدهای فعالیت همسان و معیّن، ابعاد و تناسبات مکان‌های فعالیت، همزمانی با تطابق زمانی، همسانی مکانیسم‌های رفتاری در جریان، در مطالعه‌ی موردهای پژوهش تبیین شده‌اند؛ درواقع متغیرهای مورد اشاره قابلیت بکارگیری به مثابه راهبرد را داشته؛ همچنین می‌توانند به مانند ابزاری در طراحی جهت کاوش و اندازه‌گیری راهکارهایی برای سنجش مکانهای رفتاری و حدود آن‌ها مورد ملاحظه قرار گیرند (Bechtel & et al 1987: 197). بارکر نیز موارد جمعیت, راهبری، همبستگی متقابل فضایی، چیدمان، فعالیت‌های پیوسته، شناخت و دریافت وابسته به زمان، مکانیسم‌های رفتاری را که به بیان دیگر، دارای قابلیت کلی نگرتری هستند به‌عنوان متغیرهای ارزیابی و سنجش مکانهای رفتاری تبیین می‌نماید. ویکر به‌منظور بکارگیری روش‌های تحقیق متناسب و به‌منظور مطالعه مکانهای رفتاری دو راهبرد اصلی را معرفی می‌نماید؛ نخست مطالعه بلند مدت و عمیق نمونه موردی است که به‌عنوان یک مکان رفتاری در نظر گرفته می‌شود. منطبق بر این روش، در یک مکان رفتاری مؤلفه‌ها، تغییرات و نحوه فعالیت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. راهبرد دوم فعالیت‌های اشخاص، تعاملات آن‌ها با دیگران در محیط موردتوجه بوده و بیشتر بر مطالعه اشخاص و کاربران مکان رفتاری تکیه دارد؛ که هر دو راهبرد همزمان نیز قابل استفاده می‌باشند (Wicker,1996). همچنین تأکید می‌گردد که مطالعه کاربران در محیط می‌باید بر اساس شناسایی واحدهای طبیعی صورت پذیرد که برحسب شرایطشان از قابلیت، برای انجام فعالیت‌ها برخوردار می‌باشند (Fishman ,1999,168). این امر به منزله ملاحظه وید در محیط‌های عمومی به عنوان مکان رفتاری و انتخاب مکانهای رفتاری به‌مثابه واحدهای مطالعه و طرح پرسشهای هدفمندِ آشکار برای پژوهشگر و عدم آگاهی کامل فرد پرسش شونده از حوزه دقیق سوال است. انگاشت وید در فضای عمومی کالبدی به عنوان قرارگاه رفتاری، مجموعه‌ای از مقرّهای رفتاری را رقم می زند، نگرشی کل نگر، سامانه‌ای و یکپارچه را در رابطه با هر فرد و رابطه وی با محیط کالبدی مورد تحلیل قرار می‌دهد و واحدی برای آمایش تبیین می‌نماید. در مطالعات بوم شناسی و بررسی رفتار در مکانهای رفتاری، رفتارهای انسان با تمام تعلقات محیطی و پیشینه ذهنی و فرهنگی مطالعه می‌گردد. در حالیکه در مطالعات کلاسیک روانشناسی محیط مباحث کلی محیط و رفتار

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

مورد مطالعه بوده است. بنابر این میزان وابستگی افراد به محیطهای مورد مطالعه تحقیق و میزان خاطره انگیزی بـه عنـوان متغیرهـای قابـل ارزیابی در فضاهای عمومی دارای وید مورد توجه قرار گرفت. در راستای مطالعات بارکر، در پژوهش‌های بعدی که توسط ویکر در سـال ۱۹۷۹ انجام گرفت، دو عامل دیگری که می توانند درتبیین مکاهای رفتاری مؤثر واقع شوند ارائه گردید. ویژگی ها و برنامـه هـای فـردی، تمـایزات فرهنگی از یکسو و ویژگی‌های محیطی و جغرافیایی ازسوی‌دیگر به عنوان کنتـرل‌گـر در یـک مکـان‌رفتـار تـأثیرگـذار مـی باشـند (Lang, 1986,140). بنابراین بر مبنای نظریه بارکر به عنوان مبنای قابل استناد و معتبر در مطالعات حوزه رفتار که امکان شناسایی متغیرهای وابسته به این موضوع را فراهم آورده است (Bechtel & et al., 1987, 194). جمعیت استفاده کننده از مکان رفتار، پیوستگی‌های فضایی، نـوع چیدمان، ابعاد فیزیکی، فعالیت‌های جاری، زمان انجام فعالیت ها و مکانیسم های رفتاری به عنوان متغیرهای ارزیابی، معرفی می‌شوند.

مطالعات انجام گرفته در زمینه سـازماندهی‌های اجتمـاعی و سـاختار محـیط مبـین تـأثیرات مکـان فیزیکـی بـر رویـدادها و رفتارهـا هسـتند (Moleski & Long , 1986). عناصر فیزیکی و مشخصه های کالبدی برای تامین آسایش افراد در محیط جهت تداوم فعالیـت در محـیط مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس مولسکی و لنگ بیان داشته انـد کـه مکـان فیزیکـی در حالـت ایـده‌آل، بـه سـه صـورت از رفتارهـا و رویدادهای رفتاری در فضا پشتیبانی می‌نمایند. نخست اینکه مکان فیزیکی عناصر فیزیکی و مشخصه‌های لازم برای تداوم و پایـایی آسـایش افراد در محیط را فراهم می‌آورند. به‌عنوان مثال نور، ویژگی مهمی در محیط فیزیکی است که مکان فیزیکی چگونگی آنرا مشخص می‌نمایـد. دوم اینکه محیط فیزیکی فراهم کننده امکانات و سازماندهی فضایی است که نظامها و الگوهای ویژه فعالیت در فضا را قوام می بخشد و دیگر فعالیت‌ها را کمرنگ می‌نماید. به عبارت دیگر محیط فیزیکی شکل گیری روابط خاص اجتماعی را تسهیل نموده روابط و تعاملات را تقویـت و سطح مطلوبی از خلوت را در فضای فعالیت فراهم می‌آورد. متغیرهای عملیاتی در این سطح شامل هندسه‌ی فضا، روابط و ارتباطات فضـایی و سیرکولاسیونها، در فضاهای فعالیت می‌باشند. به دلیل سیالیت در فرم و عدم امکان تعریف مشخص برای ابعاد «وید» و فقدان مشخصه هـای فیزیکی، بر اساس نوع فضا، مؤلفه های معنایی ونوع فهالیت جاری در فضا نور قابل تنظیم و تغییر خواهد بود. آلیسون و پیتر اسمیتسون قابلیت فضایی ویدها برای سازماندهی، صورتبندی و مرتب سازی فضاهای اطراف را در کتاب خود مطرح می نمایند(Smithson & Smithson, 2000, 15).نوع فعالیت ها و الگوهای جاری رفتار، توسط سازماندهی فضای کالبدی تبیین و یا تقویت می‌شوند. به عبـارت دیگـر مـی‌تـوان محیط های کالبدی را تسهیل کننده[ویا بازدارنده]روابط اجتماعی و تعاملات اجتماعی دانست؛ که در کنار خصوصیات دیگر می تواننـد تبیـین کننده قرارگاه‌های رفتاری باشند.

تصویر ۲- مولفه های اجتماعی فضا



مطالعه فضا بر اساس سازمان های فضایی انجام گیرد، تجربه فضا در محیط با شاخص های مطروحه، یعنی گشایش فضـایی، عمـق بصـری، ارتباطات فضایی همچنین سلسله مراتب فضایی، خواهد بود که با متغیرهای اجتماعی رابطه‌ای مستقیم و نزدیـک دارنـد. بنـابراین متغیرهـایی نظیـر کـارکرد فضـا، شـاخص‌هـای اجتمـاعی و سـاختار فضـایی بـر حسـب چیـدمان فضـاها و مجاورتهـای فضـایی تحلیـل مـی‌گـردد (Markus,1987,467). در کنار آسایش فیزیولوژیکی و آرامش، که دسته‌ای از مؤلفه‌های مؤثر بـر فضـای کالبـدی بـا رویکـرد فیزیکـی را تشکیل می دهد، نقش فعالیت ها و مؤلفه‌های معنایی نیز در خالی نبودن فضای جمعی مؤثر هستند. تعامل با دوسـتان و بسـتگان، قـدم زدن، امکان فعالیت های جسمانی و دیدار رودر رو (Whyte, 1980). امکان نشستن، تماشای فضاهای اطراف و حتی رفت و آمد مردم به عنـوان

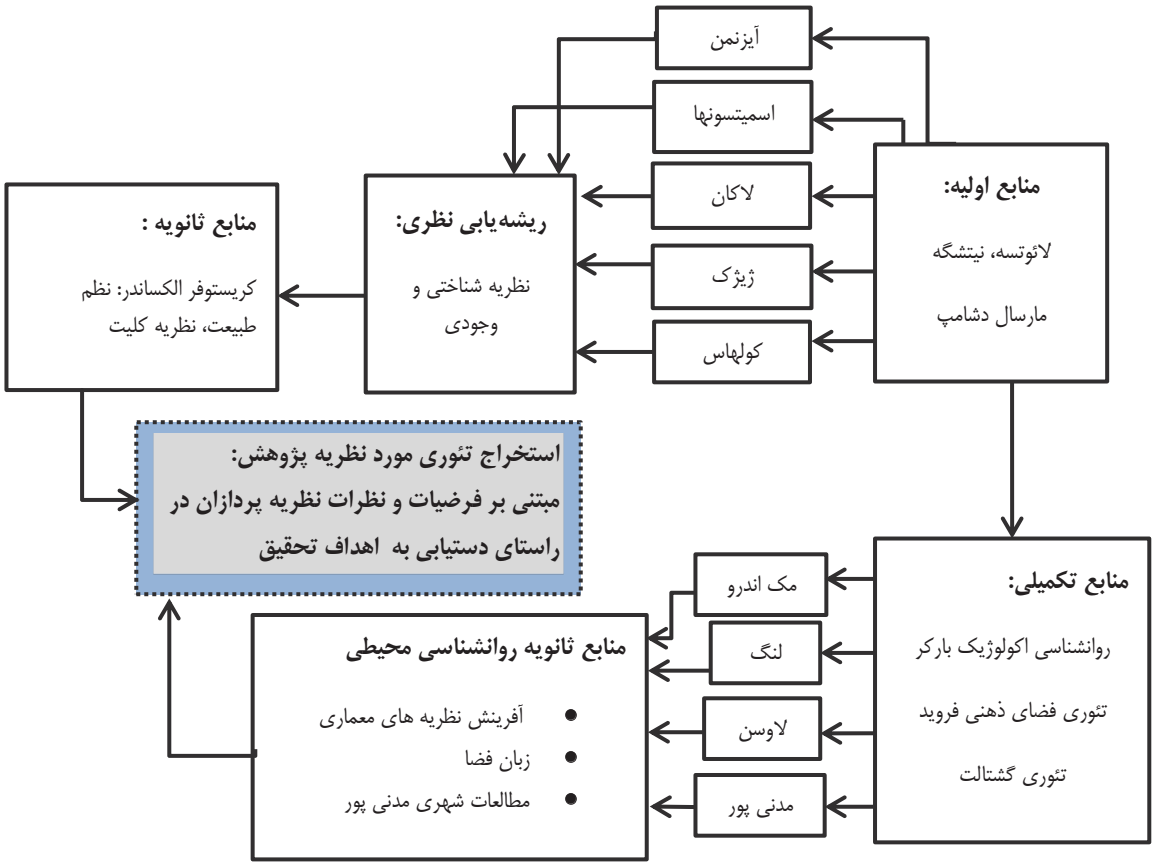
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

فعالیت‌هایی که در یک فضای جمعی می‌تواند به عنوان متغیرهای جاذب افراد قلمداد شود. امکان خلق و طراحی مناظر و فرمهای چشم نواز معمارانه و خلاق، امکان جذب بازدید کنندگان به منظور تماشای طراحی معماری خاص و یا حتی طبیعت در پاسخ گویی به حس کشف فضایی، نقش مهمی را ایفا می کند (Car & et al , 1992). به منظور بررسی کیفیتهای اجتماعی فضا مؤلفه های مربوطه نیز استخراج گردید(تصویر ۲). مجموعه ویژگی های کالبدی و معنایی اساس تنظیم پرسشنامه در آمایش اصلی تحقیق را تشکیل دادند. شناسایی منابع اولیه در تعیین محتوای پژوهش تأثیر راهبردی دارد. روش استفاده از ادبیات موضوع، چگونگی نقش‌کلیدی منابع اولیه و ثانویه را در تولید پاسخ مناسب تحقیق تعیین می نماید(گروت و وانگ، ۱۳۹۱: ۶۳). تصویر۳پیوستگی منابع اصلی، چگونگی پالایش آن توسط مفسران و تحلیلگران موضوع و چگونگی استنتاج نظریه جدید از منابع اولیه و ثانویه در تحقیق حاضر را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

مبتنی بر مبانی فکری پژوهش وتدوین چهار چوب مفهومی، متغیرهای مربوط به مؤلفه‌های تحقیق معرفی و به منظور پروراندن الگوی نظریه و به دنبال بررسی و دریافت نظرات کاربران، پرسشنامه تنظیم گشت. به دلیل شکل‌گیری معانی ذهنی در تعاملات اجتماعی و هنجارهای تاریخی و فرهنگی رایج در زندگی روزمره افراد، فرایند تعامل میان افراد مورد توجه قرار گرفت (کرسول، ۱۳۹۴: ۴۴). بنابراین بخش جمع آوری اطلاعات تحقیق علاوه بر پرسشنامه، براساس مشاهده و تحلیل عمیق نظام‌های فعالیت و همچنین مصاحبه با کاربران انجام گرفت. پژوهش کمی-کیفی از گردآوری، تجزیه و تحلیل ساده‌ی داده‌ها پا را فراتر می نهد و در آن هر دو روش همزمان بکار گرفته می شود. مطالعات انجام شده با این روش نسبت به پژوهش های کمی و یا کیفی از استحکام بیشتری برخوردار است(Creswell & Plano clark, 2007). بر همین اساس روش تحقیق ترکیبی انتخاب وبه منظور جمع آوری اطلاعات و ثبت احساسات مردم در مواجهه با محیط، از تمایزات معنایی بهره گرفته شد.

تصویر ۳- ساختار منابع تحقیق (منبع:گروت و وانگ،۱۳۹۱: ۶۳)

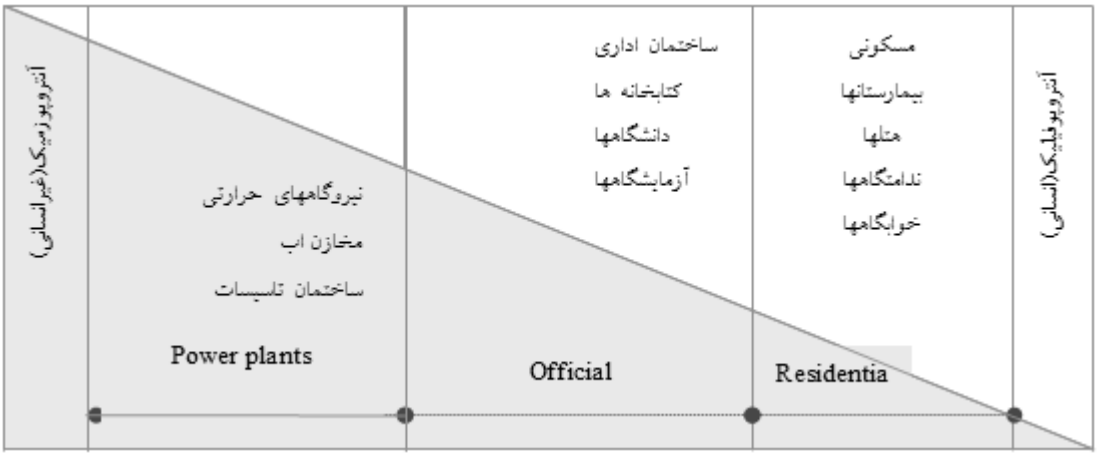


[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

این روش مبتنی بر ساخت‌بندی بوده و بر صفتهای مرتبط دو قطبی تاکید دارد. در این روش که اولین بار کلی آن را تحت عنوان روش تمایزات معنایی معرفی کرد، دامنه ۵ یا ۷ قسمت را شامل می شود؛ در دامنه کوتاهتر و بلندتر از این مقدار، قضاوت ناپایدار می شود. هدف این فن تدوین روش ساده مقایسه احساسات یک فرد یا یک گروه درباره دو مکان یا بیشتر است و اینکه مردم که در محیطی در حال حرکتند به چه ویژگی‌های محیطی بیشتر توجه می کنند. همچنین در راستای نظریه های مطروحه، مشخص می شود بعضی گونه‌های ساختمان نسبت به بقیه در اثر بخشی بر رفتار دارای اهمیت کمتری می‌باشند و ویژگی‌هایی وجود دارند که در طراحی ها در اولویت توجه مردم قرار ندارند با این حال، طراحان را در امر طراحی به حاشیه و فرعیات می کشانند و یا ویژگیهایی مهمی که مورد چشم پوشی قرار گرفته اند مورد شناسایی و بررسی قرار می دهد (لاوسون، ۱۳۹۱: ۲۴۳). به منظور پایایی و دقت بیشتر در انجام تحقیق و باورپذیری در نتایج حاصل از تحقیق آمایش در دو مرحله آمایش اولیه و آمایش اصلی صورت گرفت. پس از بررسی نتایج حاصل از آمایش اولیه، انتخاب نوع کاربری‌ها تعدیل و اصلاحاتی در پرسشنامه صورت گرفت. براساس پرسشنامه‌های تدقیق شده با چارچوب نظری تحقیق و نتایج آمایش اولیه، آزمون اصلی در ۳ نوع کاربری دارای وید در فضای عمومی اصلی، از هرمورد کاربری دو نمونه، بصورت هدفمند انجام و نتایج حاصل از پرسشها با استفاده از نرم‌افزار smart pls مورد تحلیل دقیق قرار گرفت.

موردهای مطالعاتی: به طور کلی فضای عمومی و قرارگاه‌های رفتاری در جهت تامینی نیازهای اجتماعی انسان و ایجاد بستر تعاملات بوجود آمده‌اند. بنابراین در راستای تحقیق اهداف جمعی اولیه است. شهر همدان به دلیل آشنایی کامل پژوهشگر با جنبه های فرهنگی و اجتماعی بافت شهری انتخاب شد. در یک تقسیم بندی اولیه تنوع کاربری‌ها مورد ملاحظه قرار گرفت. همچنین در تعریف کاربری‌ها عملکرد غالب هر فعالیت مد نظر قرار گرفت. در صورت انجام چند فعالیت در یک مکان، منطبق بر مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران نام کاربری بر اساس عملکرد غالب تعیین گردید. در دیدگاه‌های اولیه حدود یک قرن پیش کاربری به عنوان یک مفهوم ایستا محصولی قطعی و نهایی تبیین می‌شد. اما نگرش‌های نوین کاربری زمین به معنای یک مفهوم پویا، ارتباط مستمر بین انسان و زمین و چگونگی استفاده انسان از این ارتباط است(Littman,2005).که در فرایند برنامه ریز آن سازماندهی مکان, فضا, فعالیت انجام می‌شود. عملکرد کاربری‌های شهری مصوب شده از سوی شورای عالی شهرسازی, آموزشی, مذهبی, اداری, اقامتی, مسکونی, ورزشی, صنعتی, آزمایشگاهی, درمانی, فرهنگی, تجاری, پارک و انبار می‌باشند. کیوآیزومی معتقد است که بعضی ساختمان‌ها بیشتر برای کارکرد درست ماشین و تجهیزات طراحی شده‌اند تا افرادی که با این تجهیزات کار می‌کنند. در این ساختمان‌ها به نیازهای دوم بیشتر اهمیت داده می‌شود (شکل۲) ایزومی گونه اول را در ساختمان های آنتروپوزمیک[5] یا غیر انسانی و گونه دوم را در آنتروپوفیلیک یا انسانی نامیده است. در ساختمان‌های آنتروپوزمیک افراد ناچارند با شرایط تطبیق پیدا کنند. در ساختمان‌های آنتروپوفیلیک وسایل و تجهیزات باید با شرایط انسان منطبق باشند (Izumi,1968).

تصویر۴- گونه‌بندی ساختمانها آنتروپوفیلیک و آنتروپوزمیک، (منبع: Izumi, 1968)



در راستای مطالعه اولیه و انتخاب نمونه های مطالعه بصورت حذفی، کلیه کاربری‌های غیر انسانی مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری در زمینه تعاریف و مفاهیم کاربری‌ها مانند: انبارها و مراکز صنعتی از دامنه مطالعه خارج خواهند شدند (شورای عالی شهرسازی، ۱۳۸۹). همچنین در راستای موضوع تحقیق بناهای بدون سقف مانند پارک‌ها و بناهای مذهبی از دامنه تحقیق حذف گردیدند. بناهای فرهنگی نیز به

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

دلیل تمرکز بر مؤلفه معنایی تحقیق، فرهنگ، جزء بناهای مورد سنجش قرار نگرفت. بنابراین کاربری‌های اداری، آموزشی، درمانی، هتل و تجاری، مشروط بر فضای عمومی دارای وید، به عنوان معیار کنترلی، به عنوان کاربری های مورد نظر پژوهش در نظر گرفته شدند. بنابراین کاربری های مذکور در سطح شهر همدان به عنوان مورد مطالعه در کنار عواملی نظیر زیر بناهای مشابه, مورد ملاحظه قرار گرفت. معیارهای کنترلی و معیارهای انتخابی مورد توجه در گزینش مورد های مطالعه در جدول (۱) آمده است. مطالعات مبتنی بر عنوان تحقیق در دو حوزه متمرکز می باشد. چنانچه گفته شد متغیرهای مستقل و وابسته مشخص و جمع آوری اطلاعات در قالب آمایش اولیه بوسیله توزیع پرسشنامه، در پنج مکان مختلف، صورت گرفت. موردهای پژوهش از میان کاربری‌های مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در قالب پنج مکان مختلف با فعالیتهای عمومی، در محدوده شهر همدان، ازگونه آنتروپوفلیک (لنگ، ۱۳۹۳: ۱۲۳)که در بخش فضای جمعی دارای تهی والگوهای جاری رفتار می باشند، انتخاب گردید. بر اساس الگوی فضای اجتماعی لوفور مؤلفه‌های کالبدی، معنایی و اجتماعی به عنوان سه سامانه مورد مطالعه و تأثیرات آن بر فضای عمومی جمعی مورد بررسی قرار گرفت. با وجود تفاوت در نمونه‌ها، کشف اشتراکات میان آنها، بینش عمیقی نسبت به پدیده مورد مطالعه امکان پذیر می گردد. بر اساس تعریف قرارگاههای رفتاری، ارائه شده توسط بارکر، در موردهای پژوهی، فعالیت های مستمر در زمینه ای روشن، ترکیب کالبدی خاص از محیط، همنوایی میان اجزا فوق و فعالیت ها در زمان خاص و قابلیت تکرار الگوی رفتار مورد توجه قرار گرفت.

جدول ۱- معیارهای کنترلی و معیارهای انتخابی مورد توجه در نمونه های مورد مطالعه

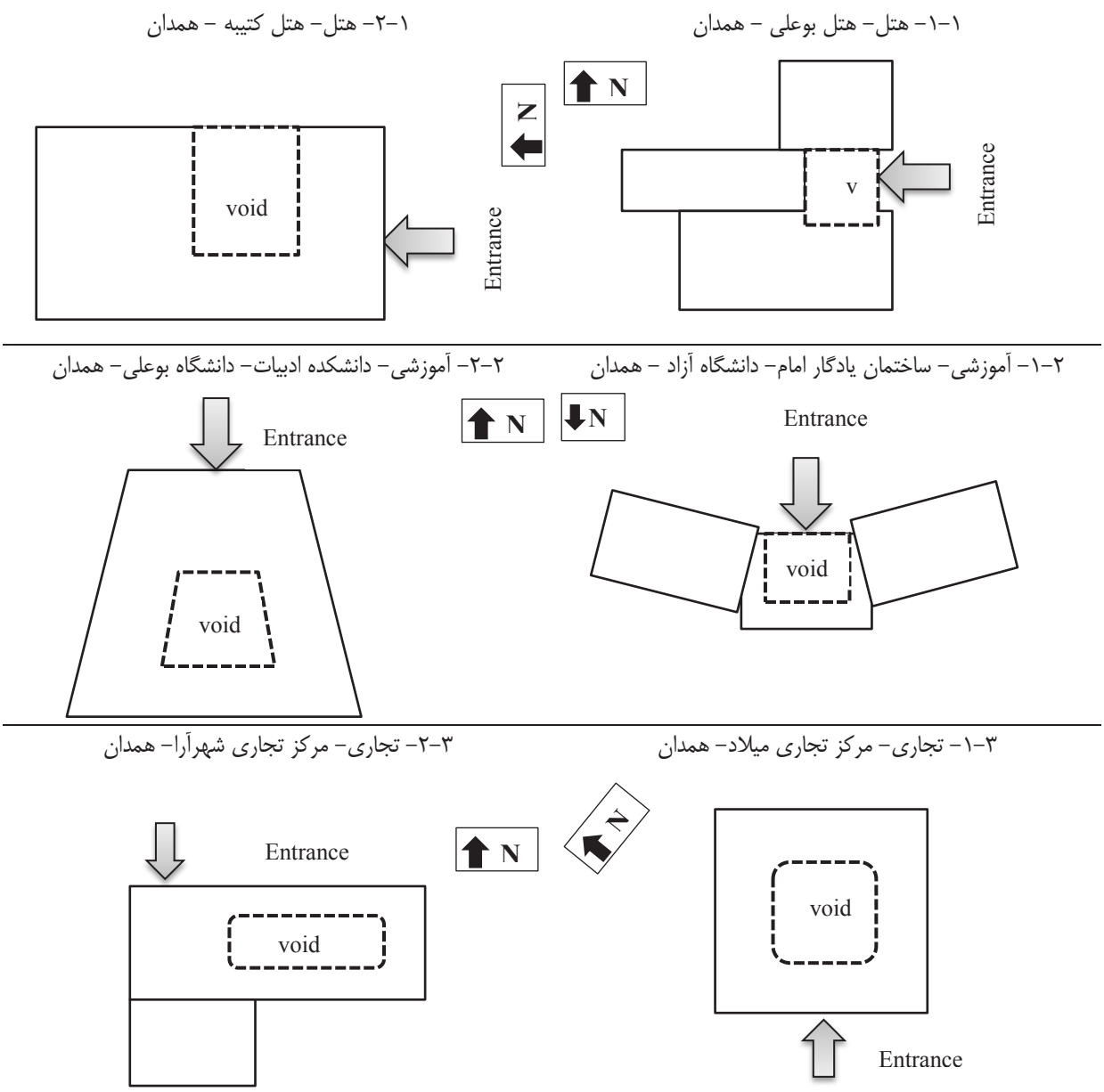
نوع معیار	عنوان مورد ارزیابی	توجیه انتخاب
معیار انتخاب	موقعیت جغرافیایی و مقیاس	مقیاس تحقیق در حوزه معماری بنابر این با توجه به مقیاسهای شهری و معماری، مقیاس معماری مد نظر تحقیق است.
	نشابهات میان کاربری ها	انتخاب فضاها و کاربردهای مورد نظر با در نظرگیری تشابه میان افراد از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، معیارهای‌انتخاب مساحت تقریبی مساوی میان بناها است. مساحت زیاد نسبت به جمعیت مورد استفاده، در صد اجتماع پذیری فضاها را کاهش می‌دهد و برعکس (دانشگر،۱۳۹۰)
	سن ساختمان	متوسط سن ساختمانها ۱۳ سال
	امکان پذیری تحقیق	امکان برقراری ارتباط با کاربران و امکان انجام تحلیل عمیق و مطالعه فضایی، انتخاب بنا با کاربرد عمومی.
	نوع فضا	فضای عمومی، داخلی (بسته) فضای غیر حرکتی و سکون
	ساعات حضور افراد	امکان حضور بصورت دائم و یا موقت. افراد مخاطب در پرسشنامه‌ها حداقل ۳ سال است که در این مکان حضور دارند (Demir, 2007)
معیار کنترلی	ضرورت وجود وید در فضای عمومی وید با مشخصه و تعریف منطبق بر آنچه در مطالعات فصل اول در نظر گرفته شه است. وید می‌تواند به صورت عمودی، افقی یا بی فرم در فضای عمومی داخلی حضور داشته باشد	
	بناها ساخته شده به سبک مدرن و پست مدرن، وجود وید در فضای عمومی،تناسبات ارتفاع به کف, عدم الزام نورگیری از سقف، بر قراری ارتباط بصری میان طبقات	

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

سوالات در سه سامانه کالبدی، معنایی و اجتماعی، منطبق بر چارچوب نظری تئوری اجتماعی فضای لوفور سازماندهی گشت. جامعه آماری، همه کاربران بالای ۱۳سال، زنان و مردان را شامل می شود. پس از بررسی و مطالعه، پرسشنامه ها در راستای چارچوب نظری پژوهش، تدوین گردید. در آمایش اولیه خاصیت بازدارندگی وید در کاربری‌های رسمی مطابق نتایج حاصل از تحلیل، مسجّل گردید. در آمایش اصلی، مکانها با کاربری رسمی از دور بررسی خارج و مکانها با کاربری غیر رسمی، از هر کاربری دو محل جداگانه، در شهر همدان انتخاب گردید.

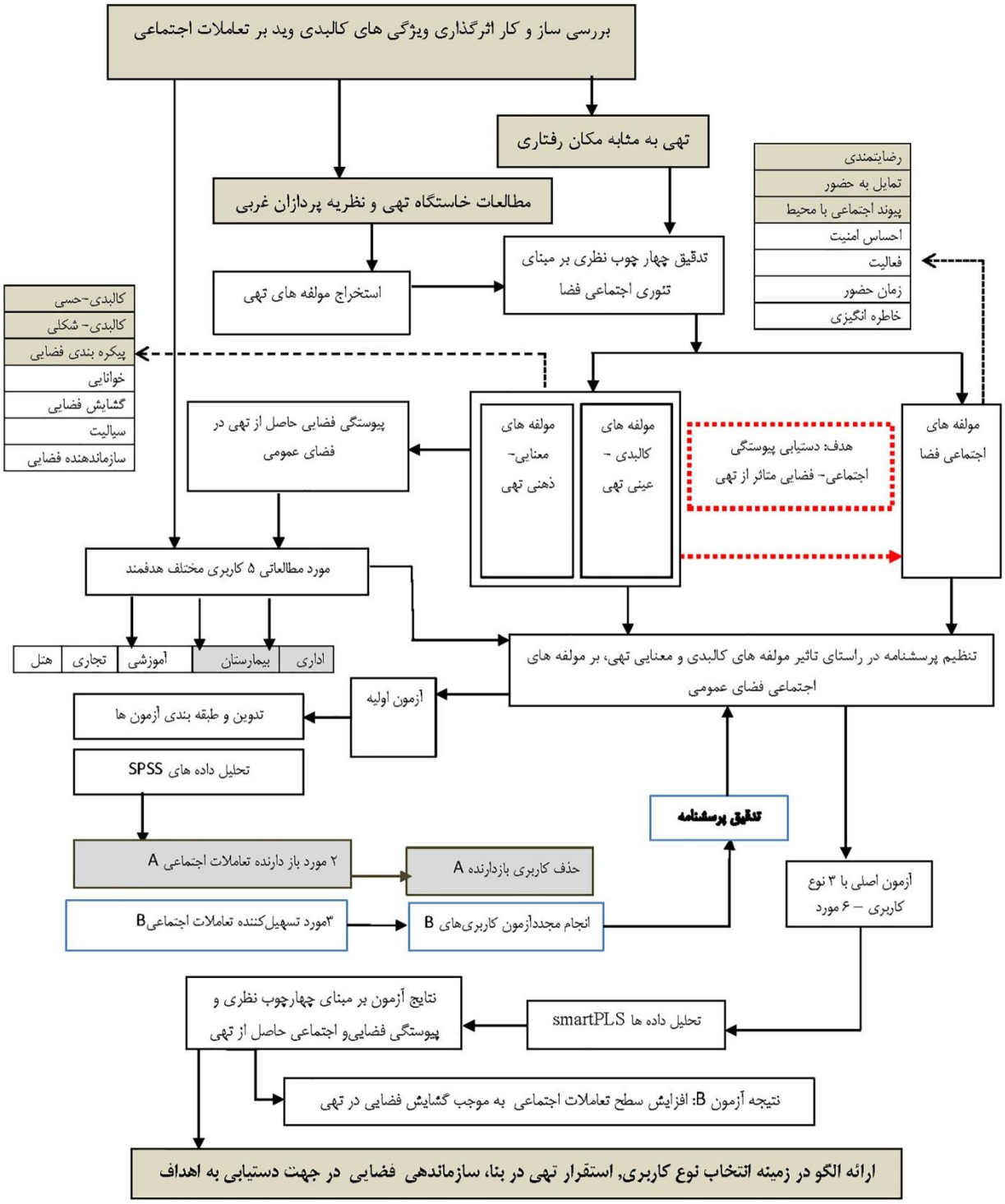
بنابراین نمونه های مطالعه‌ی تهی در آمایش اصلی شامل هتل کتیبه و هتل بوعلی سینا تحت عنوان مکان اقامتی هتل، دانشکده اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا و ساختمان یادگارامام دانشگاه آزاد به عنوان مکان آموزشی و مرکز تجاری میلاد و مرکز تجاری شهرآرا به عنوان مکانهای تجاری مورد سنجش قرار گرفتند. در این مرحله نیز تأثیر سنجه‌های کالبدی و معنایی تهی بر سنجه‌های اجتماعی فضای عمومی، در هر یک از مکانهای مذکور، مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت. در تحلیل اطلاعات جمع آوری شده، جهت ارتقاء کیفیت پژوهش و افزایش دقت، از نرم افزار تحلیلگر Smart PLS استفاده شد. پلان شماتیک و موقعیت قرار گیری وید نسبت به ورودی در هر یک از مورد های مطالعه، در بخش پیمایش اصلی، در تصویر(۵) و ساختار پژوهش و روشهای عملیاتی تحقیق در تصویر(۶) تحت عنوان ساختار پژوهش، ارائه شده است.

تصویر ۵- پلان شماتیک و استراتژی‌های وید



[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

تصویر ۶- ساختار پژوهش



تحلیل داده‌ها: بررسی مدل مفهومی تحقیق در محدوده مورد مطالعه با روش مدلسازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار SmartPls صورت گرفت. تکنیک Partial Least Squares یا حداقل مربعات جزئی یکی از موضوعاتی است که غالباً در پژوهش‌های اجتماعی و روانشناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از زمان معرفی مدلسازی معادلات ساختاری مبتنی بر کوواریانس، توسط کارل یورسکوگ در سال ۱۹۷۳، این تکنیک توجه بسیاری از محققین تجربی را به خود جلب کرده است. چند سال پس از معرفی روش کوواریانس محور، به دلیل نقاط ضعفی که

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

در این روش وجود داشت، نسل دوم روش‌های معادلات ساختاریِ مؤلفه محور، معرفی شدند. روش های مؤلفه محور که بعداً به روش حداقل مربعات جزئی تغییر نام دادند، برای تحلیل داده ها متدهای متفاوتی نسبت به نسل اول ارائه نمودند. مهمترین نرم افزار برای این روش Smart PLS است. یک مزیت مهم دیگر که محققین به آن استناد می کنند، امکان استفاده از مدل های اندازه گیری با یک شاخص (سوال) در روش PLS-SEM می باشد. این روش به پژوهشگر این امکان را می دهد که بتواند در مدل پژوهشی خود از مدل های اندازه گیری با یک سوال استفاده کند. برخلاف نرم افزارهای دیگر مانند لیزرل و ایموس که از روش کوواریانس محور استفاده می‌کردند، نرم افزار Smart PLS از روش حداقل مربعات جزئی استفاده می‌نماید. در تحلیل آماری با این نرم افزار سعی بر این است که با استفاده از نشانگرهای گرافیکی به جای نوشتن فرامین بلند و پیچیده، طراحی مدل معادلات ساختاری انجام گیرد. دلایل مختلفی برای استفاده از رویکرد حداقل مربعات جزئی وجود دارد. مهمترین دلیل، برتری این روش برای نمونه‌های کوچک ذکر شده‌است. بعلاوه در مواردی که تعداد گویه‌های اندازه‌گیری کم و توزیع متغیرها مشخص نیست، کاربرد دارد. با رویکرد حداقل مربعات جزئی در این پژوهش از مدلسازی معادلات ساختاری برای آزمون فرضیه‌های پژوهش و برازش مدل استفاده شده‌است. زیرا هدف، آزمودن مدل خاصی از رابطه‌ها، بین متغیرهاست.

اعتبارسنجی مدل معادلات ساختاری: یک مدل معادلات ساختاری کامل از دو بخش تشکیل شده‌است. مدل اول، اندازه‌گیری که روابطی را بین متغیرهای پنهان و متغیرهای نشانگر (شاخصها یا متغیرهای اندازه‌گیری شده) تعریف می‌نماید و رابطه علّی خاصی را بین متغیرهای پنهان درنظر میگیرد (آذر، ۱۳۸۱). مدل دوم که یک مدل ساختاری که ساختار علّت چنین روابطی را نشان می دهد. اعتبارسنجی مدل اندازه‌گیری آلفای کرونباخ میزان پایایی مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد. مقادیر بالای ۰/۷(و در برخی مراجع مقادیر بالاتر از ۰/۶) برای آلفای کرونباخ مطلوب و مقادیر کمتر از ۰/۶ نامطلوب تلقی می‌شود.

پایایی و روایی مدل معادلات ساختاری: با توجه به اصول حاکم بر روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، قبل از بررسی معناداری روابط، مسیرها و ضرایب اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر، پایایی و روایی مدل ارائه شده مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از راه‌های بررسی پایایی مدل پژوهش، استفاده از ضریب پایایی مرکب است و روایی مدل نیز با استفاده از روایی همگرای AVE به منظور ارزیابی مورد توجه قرار می گیرد.

سنجش پایایی مدل پژوهش توسط ضریب پایایی مرکب (CR): شرط برقراری پایایی سازه این است که اندازهٔ پایایی مرکب (CR) از ۰/۷ بزرگ‌تر باشد. (Fornell & Larcker, 1981). همانطور که در جدول (۲) مشخص است، اندازه پایایی مرکب در مدل مورد بررسی پژوهش قابل قبول می باشد.

جدول ۲- شاخص پایایی مرکب

ردیف	متغیر	پایایی مرکب (CR)
۱	سیالیت	۰.۷۲۳
۲	پیکره بندی فضایی	۰.۷۱۲
۳	کالبدی شکلی	۰.۸۷۵
۴	خوانایی	۰.۸۱۳
۵	کالبدی حسی	۰.۸۶۹
۶	گشایش فضایی	۰.۷۶۷
۷	تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی	۰.۸۵۶

بررسی روایی مدل با استفاده از واریانس به اشتراک گذاشته AVE: روایی همگرا، دومین معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در نرم‌افزار PLS به کار می‌رود. معیار AVE نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود می‌شود؛که مقدار بحرانی در آن برابر با ۰/۵ است. بدین معنی که مقدار بالای ۰/۵ روایی همگرای قابل قبول را نشان می‌دهد (Fornell and Larcker, 1981).بدین معنا است که متغیر پنهان موردنظر حداقل ۵۰ درصد واریانس مشاهده‌پذیرهای خود را تبیین می نماید. همچنان که در جدول (۲) آمده است، مقادیر AVE تمامی شاخص‌ها بالاتر از ۰/۵ محاسبه شده و روایی همگرای مدل نیز تایید می‌شود. همان‌طور که در جدول (۲) مشخص شده است، در شاخص خوانایی استثنائا این عدد کمتر از ۰.۵ است که با توجه به قابل قبول بودن این عدد در غالب شاخص‌ها، کمتر بودن روایی این شاخص نمی‌تواند اثر معناداری بر کل مدل بگذرد. همچنین تصاویر (۶)و(۷)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

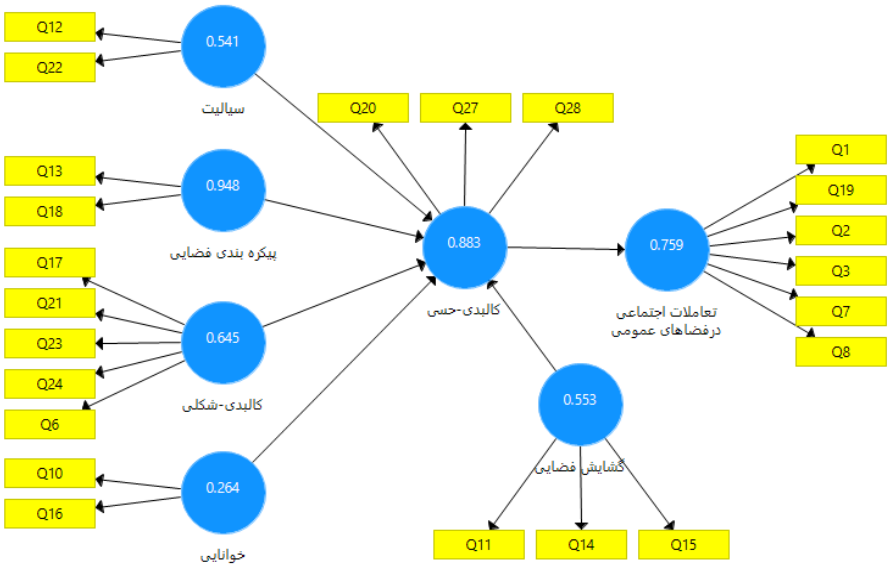
نشان‌دهنده مدل‌های کلی خروجی نرم‌افزار PLS است که همزمان هم در برگیرنده مدل ساختاری و هم مدل اندازه‌گیری می‌باشند. برای آزمون فرضیه از آماره p-value استفاده شد. برای بررسی معنادار بودن روابط نیز از اندازهٔ ضریب رگرسیون استفاده شد که در نرم‌افزار پی.ال.اس با استفاده از الگوریتم راه‌اندازی خودکار[۶] به‌دست می‌آید (آذر، ۱۳۸۱). در این مدل اگر سطح معناداری(p-value) کمتر از ۰.۰۵ باشد رابطه بین دو عامل(مسیر)در نمونه مورد مطالعه با ۹۵درصد اطمینان تایید می‌شود. همان‌طور که در جدول (۳) مشخص است، بین همه روابط پیشنهادی در مدل مفهومی حاضر رابطه معنادار وجود دارد. باید گفت که اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته مثبت باشد نتیجه این است که با افزایش متغیر مستقل شاهد افزایش در متغیر وابسته خواهیم بود. همچنین، ضرایب مسیرهای معنادار عددی بین ۰ و ۱ است که هرچه این عدد به یک نزدیک شود، شدت این رابطه بیشتر است.همان‌طور که مشخص است بحرانی ترین مسیر اثرگذار بر تعاملات اجتماعی عبارت است از "کالبدی شکلی-کالبدی حسی-تعاملات اجتماعی". همچنین در درجه بعدی مسیر "خوانایی - کالبدی حسی-تعاملات اجتماعی" به عنوان مسیر اثرگذار دوم بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی بر مبنای عامل وید شناخته می‌شود.

جدول ۳- شاخص روایی همگرای مدل

ردیف	متغیر	همگرایی مدل (AVE)
۱	سیالیت	۰.۵۴۱
۲	پیکره بندی فضایی	۰.۹۴۸
۳	کالبدی شکلی	۰.۶۴۵
۴	خوانایی	۰.۲۶۴
۵	کالبدی حسی	۰.۸۸۳
۶	گشایش فضایی	۰.۵۵۳
۷	تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی	۰.۷۵۹

برازش مدل ساختاری؛ مقادیر ضریب تعیین: معیار ضروری برای سنجش الگوی ساختاری ضریب تعیین(R^2) متغیرهای مکنون وابسته است. چن[۷]، اندازه R^2 ۰/۱۹ و ۰/۳۳ و ۰/۶۷ در الگوی مسیر PLS را به ترتیب ضعیف، متوسط و قابل توجه توصیف نموده است. برخلاف رویکرد مبتنی بر کوواریانس که از شاخص‌های متعددی برای برازش الگو استفاده می‌شود، رویکرد PLS فاقد شاخص برازش مبتنی بر"خی دو " به منظور بررسی میزان مطابقت الگوی نظری با داده‌های گردآوری شده است. این امر به ماهیت پیش بین محور PLS بستگی دارد. با توجه به مقادیر به‌دست آمده از شاخص R^2، متغیرهای مستقل به درستی متغیرهای وابسته را تبیین می‌نمایند.

تصویر ۷- نمودار شاخص روایی همگرای مدل



[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

جدول ۴- مقادیر شاخص R Squares

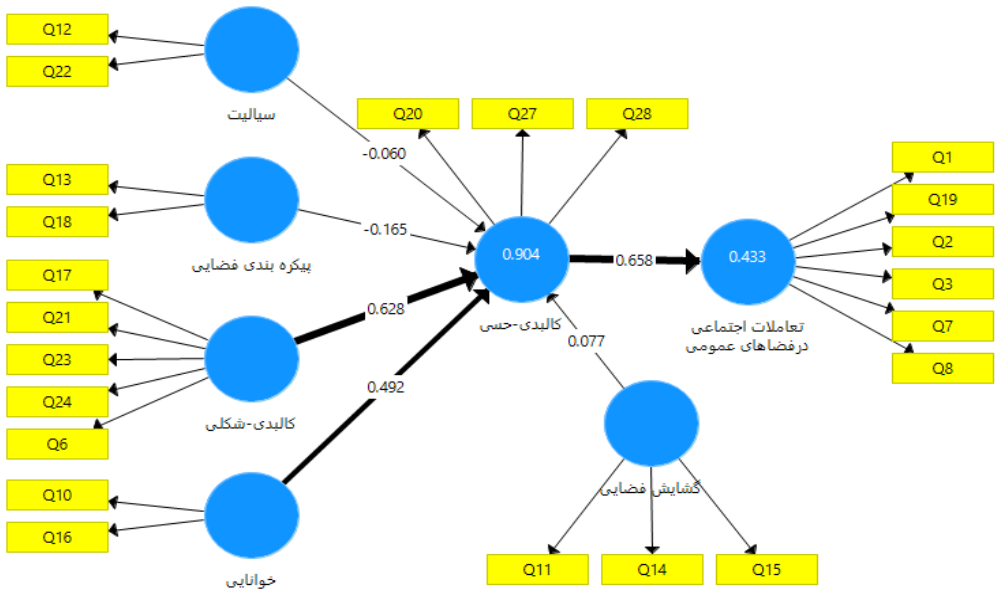
ردیف	R Square	شاخص
۱	۰.۹۰۴	کالبدی- احساسی
۲	۰.۴۳۳	تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی

مدل‌های ساختاری و اندازه‌گیری: تصاویر شماره (۷) و (۸) نشان‌دهنده مدل‌های کلی خروجی نرم‌افزار PLS است که همزمان هم در برگیرنده مدل ساختاری و هم مدل اندازه‌گیری می‌باشد. برای آزمون فرضیه از آماره p-value استفاده شده است. برای بررسی معنادار بودن روابط نیز از اندازهٔ ضریب رگرسیون استفاده شد که در نرم‌افزارpls با استفاده از الگوریتم راه‌اندازی خودکار به‌دست می‌آید (آذر، ۱۳۸۱). در این مدل اگر سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ باشد رابطه بین دو عامل (مسیر) در نمونه مورد مطالعه با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. همان‌طور که در تصویر(۸) مشخص است، بین همه روابط پیشنهادی در مدل مفهومی حاضر رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۵- اثر بخشی متغیر مستقل بر متغیر وابسته

مؤلفه متغیر مستقل	میزان اثر گذاری
خوانایی	۴.۹۲
کالبدی - شکلی	۶.۲۸
گشایش فضایی	۰.۷۷
پیکره بندی فضایی	۱.۶۵-
سیالیت	۰.۶-

تصویر ۸ - مقادیر ضرایب مسیر مدل پایه

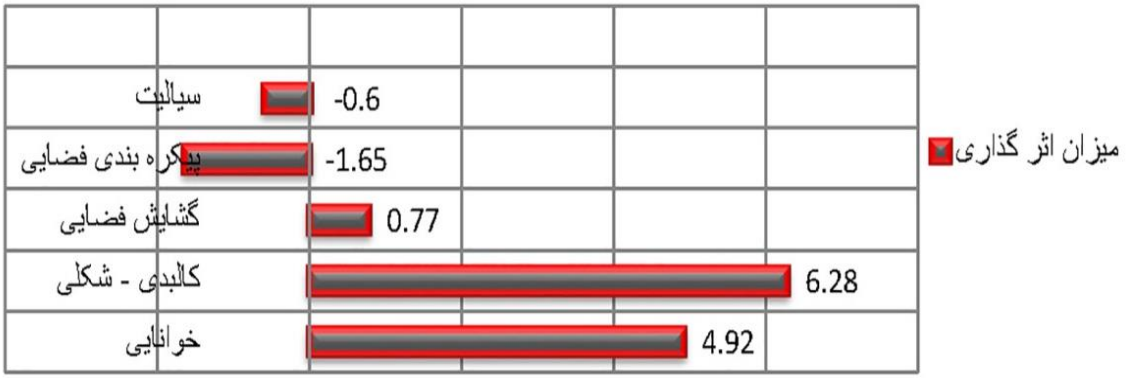


یافته‌های تحقیق: یافته‌ها نشان می دهد وجود وید به ترتیب اهمیت از سه مسیر دیگر "پیکره‌بندی فضایی-کالبدی حسی- تعاملات اجتماعی"، "گشایش فضایی-کالبدی حسی-تعاملات اجتماعی" و "سیالیت-کالبدی حسی- تعاملات اجتماعی" بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی ساختمان‌های غیرمسکونی اثرگذار است. ریزمؤلفه‌های Q20, Q27, Q28

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

تشکیل دهندگان فاکتور کالبدی و حسی هستند و نمی‌توان آنها را اثر گذار بر این فاکتور نامید. این ریزمؤلفه‌ها مذکور مطابق تصویر (۱) شامل صدا، دما و نور می‌باشند. یافته‌های تحقیق مبین تأثیرات ریز مؤلفه و مؤلفه های کالبدی بر مؤلفه های معنایی است که نهایتا بر مؤلفه های اجتماعی فضا اثر بخش خواهند بود. همچنین ریز مؤلفه های تأثیرگذار در ویژگی‌های شکلی وید، در سنجه ها، «تناسبات»، «فرم»، «رنگ»، «ابعاد» و «مصالح» شمرده می شوند. اثر بخشی مؤلفه کالبدی – شکلی در مؤلفه های اجتماعی فضا، بیانگر تأثیرات ویژگی‌های نامبرده می باشد. همچنین منطبق بر مطالعات صورت گرفته، اثر بخش ترین فاکتور در حیطه مؤلفه های معنایی وید بر مؤلفه های اجتماعی فضا، « گشایش فضایی» است که بوسیله ریز مؤلفه های «ارتباطات بصری» و «عمق بصری» تبیین می گردد. به دلیل رابطه معناداری که میان مؤلفه های معنایی وجود دارد تغییر در ریز مؤلفه های گشایش فضایی که بوسیله مؤلفه ها و ریز مؤلفه های کالبدی حاصل می شوند بر مؤلفه های معنایی دیگر نظیر شفافیت و خوانایی نیز اثر گذار خواهند بود. بعلاوه مؤلفه های دیگر معنایی مانند «چشم انداز»، «سیالیت» و «سازماندهنده فضا» در پی شفافیت مصالح، نور و انعطاف پذیری حاصل می شوند که نهایتا گشایش فضایی و پیوستگی فضایی را منجر خواهند شد.

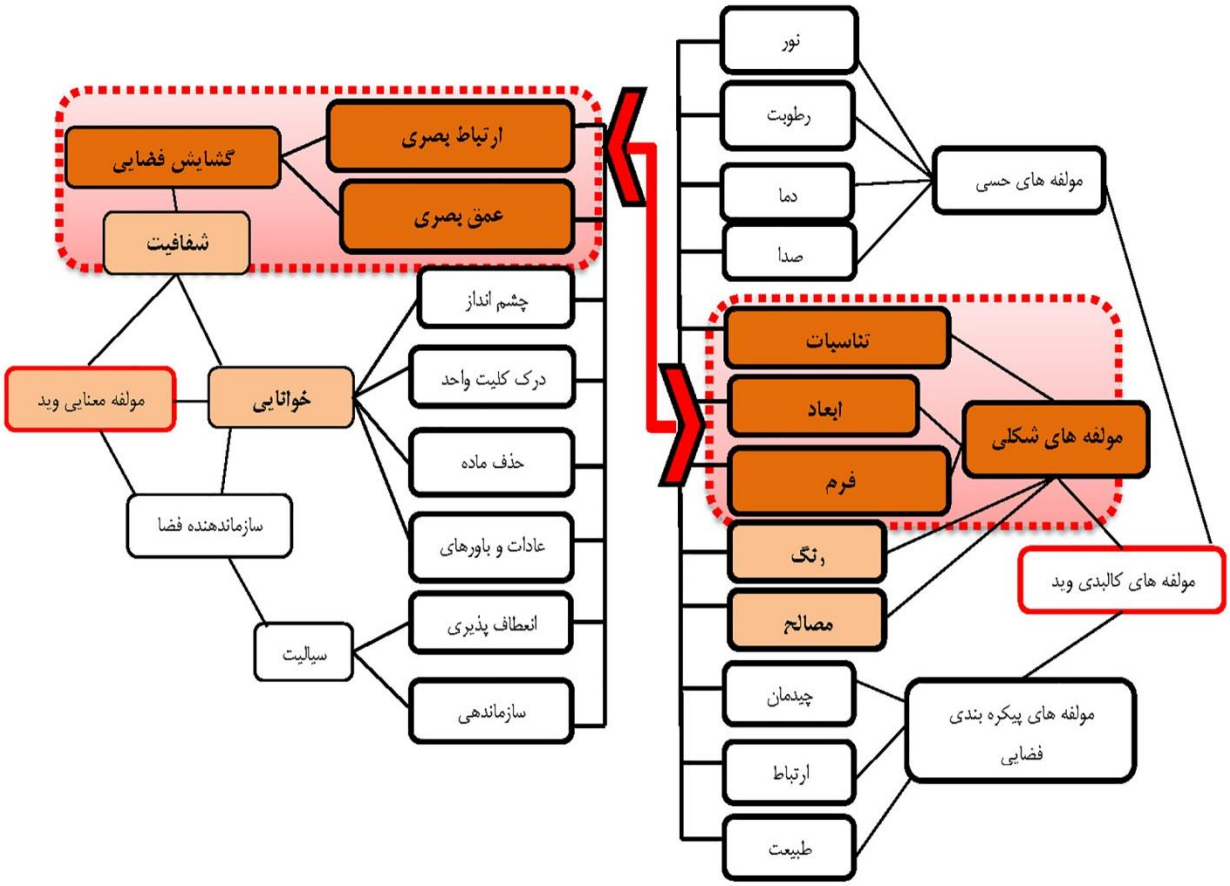
تصویر ۹-بیشینه ها و کمینه ها در اثر بخشی مولفه کالبدی وید بر تعاملات اجتماعی



در میان کدهای حاصل از تحلیل، مقدار عددی منفی برای مؤلفه سیالیت و پیکره بندی فضایی بدست آمده است و این موضوع رابطه معنادار در جهت عکس را ما بین مؤلفه ها نشان می دهد؛ بدین معنا که هرچه میزان سیالیت وید بیشتر می شود میزان تعاملات اجتماعی کمتری مشاهده خواهد شد. در واقع انعطاف پذیری بیش از حد در وید نیز می تواند نتایج معکوس را حاصل نماید. بعلاوه افزایش ریز مؤلفه های پیکره بندی فضایی شامل« مبلمان»، «گل و گیاه» و «ارتباطات حرکتی» بیش از اندازه نیز باعث شلوغی و از دست رفتن آرامش بوده است. یافته های تحقیق وجود وید در فضاهای عمومی را مسبب پدیدار شدن کیفیاتی از فضا معرفی می نماید که بر تعاملات اجتماعی افراد، فعالیتها و رضایتمندی آنها تأثیر گذار می باشد. ویژگی‌های معنایی نقش قابل قبولی در جهت دستیابی به این هدف ایفا می نمایند. در این میان اثر ویژگی‌های کالبدی، هدایتگر بعضی مشخصه‌های معنایی وید نیز می باشند. بعلاوه در میان مؤلفه های معنایی وید«ارتباط بصری» که در نهایت «خوانایی» و «گشایش فضایی» را تبیین می نماید تأثیر مستقیمی بر میزان تعاملات افراد در فضای عمومی کاربری های مورد سنجش داشته است. بطور خلاصه نتایج تحقیق اذعان می‌دارد که حضور وید با ویژگی‌های خاص گشایش فضایی در صورتی که در راستای دستیابی به اهداف تعامل پذیری بکارگرفته شوند مؤثر خواهند بود. همچنین بخشی از نتایج تحقیق اهمیت مؤلفه های «کالبدی شکلی» وید بر رفتار افراد را آشکار نمود. که از این رو توجه به این موضوع در بستر مطالعات اجتماعی و فضا قابل اغماض نمی باشدبطوری که «فرم»، «تناسبات» و «ابعاد» بیشترین اثر بخشی بر «گشایش فضایی»حاصل از تهی و در نتیجه بالاترین تأثیر رادر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مورد سنجش داشته است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

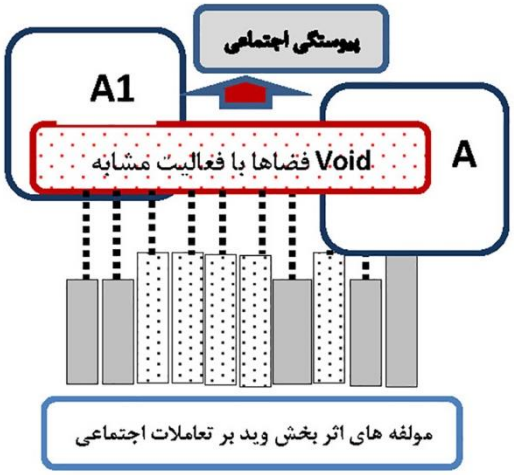
تصویر ۱۰- تأثیرگذارترین مؤلفه‌های کالبدی و معنایی وید بر تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی



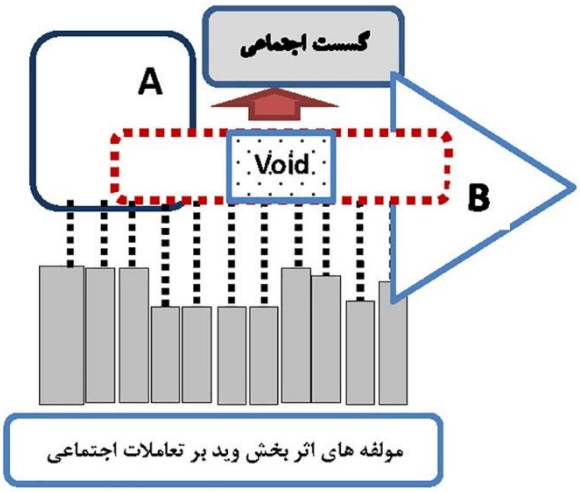
نتیجه‌گیری

از مطالعات صورت گرفته، نتیجه گیری می‌شود مؤلفه های کالبدی و معنایی وید عامل تأثیر گذار بر مؤلفه های اجتماعی فضا خواهند بود. با توجه به سیالیت و تنوع فرمی در ویدها و مشخص شدن میزان تأثیر گذاری ویژگیهای شکلی بر محیط و کیفیات فضا، لزوم تبیین وید از نظر استقرار در فضا، و ابعاد متناسب در جهت پیوندهای فضایی مابین فضاهای متشابه، از نظر نوع فعالیت، احساس می شود. در اختیار داشتن دستورالعمل‌هایی در این زمینه برای طراحان و معماران افزایش کیفیت‌های پنهان فضایی را در کاربری‌های غیررسمی به واسطه وید بدست خواهد داد؛ تحقیق حاضر در پی یافتن تأثیرات تهی بر تعاملات اجتماعی افراد در کاربری های متفاوت، انجام گرفته است. از یافته ها نتیجه گرفته می شود نه تنها وید بر تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی تأثیر گذار است، بلکه بی توجهی به حریم و تشایه فعالیتها در هر فضا و استقرار نادرست وید در فرایند طراحی بنا می تواند اثر معکوس و یا اجتماع گریزی را در مکان ایجاد نماید.به عبارت دیگر راهبر پیوستگی فضایی حاصل از وید و عدم محصوریت فضای مابین در معماری، مستلزم تفکیک فضاها بر اساس تشابه و سنخیت فعالیتها می باشد. توجه به این نکته در مرحله طراحی بنا می تواند ویدها را به عنوان راهبردی کارآمد، تسهیل کننده تعاملات اجتماعی در فضاها، با توجه به نوع کاربری و هدف افراد از حضور در مکانِ مورد نظر، معرفی نماید. گشایش فضایی، خوانایی، عمق بصری، ارتباط فضایی، تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی حاصل از فضای مابینِ وید، در فضاهای داخلی دارای فعالیتهای مشابه، با توجه به مؤلفه حریم می‌تواند به عنوان راهبرد مؤثر در جهت تسهیل تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی، نقش مهمی ایفا نماید.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]



تصویر۱۱- وید و پیوستگی اجتماعی در فضاها با فعالیتهای متشابه



تصویر۱۲- وید و گسست اجتماعی در فضاهای غیر متشابه

پی‌نوشت

1 Lao-Tz u /Laozi
2 Invalid
3 To avoid
4 Maa
5 Anthroposmic, Anthropophilic
6 Bootstrapping
7 Chen, 1998

منابع

- آذر، ع. (۱۳۸۱). تحلیل مسیر و علت یابی در علم مدیریت. مجله مجتمع آموزش عالی قم. سال چهارم. شماره پانزدهم. زمستان ۸۱.صص ۵۹-۹۶.
- اعتضادی، ل. (۱۳۸۴). مفهوم «ما» در فرهنگ ژاپنی (ما، فرایند آگاهی از مکان). انتشارات خیال، ۱۵(۱)، ۱۰۶-۱۱۷.
- آلتمن، الف (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام. ترجمه علی نمازیان. تهران. انتشارات: دانشگاه شهید بهشتی.
- چرمایف، س. و الکساندر، ک. (۱۳۷۱). عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی : به جانب یک معماری انسانی. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران.
- زوی، ب. (۱۳۷۶). چگونه به معماری بنگریم. ترجمه فریده گرمان. تهران: نشر شهیدی.
- کاپرا، ف. (۱۳۶۶). تابوی فیزیک. ترجمه حبی الله دادفر. چاپ۱. تهران: کیهان.
- کرسول، ج. د. (۱۳۹۴). طراحی پژوهی: رویکرد کمی، کیفی و روش‌های ترکیبی. ترجمه مجید خورشیدی. فخرالدین سلطانی. تهران. انتشارات: پژوهشگاه عاوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- گروت، ل.، وانگ، د. (۱۳۹۱). روش های تحقیق در معماری.ترجمه علیرضا عینی فر. چاپ ۶. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گیدئون، ز. (۱۳۸۵). فضا، زمان و معماری. ترجمه منوچهر مزینی. چاپ ۱۱. تهران: انتشارات علمی، فرهنگی.
- لاوسون، ب. (۱۳۹۱). زبان فضا. ترجمه علیرضاعینی فر، فواد کریمیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

- لنگ، ج. (۱۳۹۳). آفرینش نظریه های معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی فر. چاپ ۷. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی پور، ع. (۱۳۸۷). ترجمه فرهاد مرتضایی. طراحی فضای شهری. نگرشی بر فرایند اجتماعی و مکانی.تهران: نشر پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مک اندرو، ف.ت. (۱۳۸۷). روانشناسی محیطی. ترجمه غلامرضا محمودی. تهران: زرباف اصل.
- نصر، س.ح. (۱۳۹۴). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: نشر حکمت.

– Alexander, C. (2005). The Nature of Order (An Essay on the Art of Building and the Nature of Annual Meeting of the Environmental Design Research Association (EDRA), Sacramento. CA.

– Barker, R.G. (1968). Ecological Psychology. Concept and Methods for Studing the Environment of Human Bihabior. Stanford.CA: Stanford University Press

– Close, F. 2007. *The Void*. Oxford: Oxford University Press.

– Conrad, P. (1998). Modern Times. Modern Places: Life and Art in the 20th Century. London: Thames&Hudson.

– Craik, K. H. (1970), Environmental Psychology. In K. H. Craik, R. Kleinmuntz, R.Rosnow, R. Rosental, J. A. Cheyne, & R. H. Walters(Eds.), New directions in

– Creswell, J.W. & plan, Clark. V.L. (2007). Desining and conducting mixed method research. Thousand Oaks.CA: sage.

– Denkel, A. 1998. *İlkçağ'da Doğa Felsefeleri*, 2nd edition. İstanbul: Özne Yayınları.

– Eisenman P, Harrison AL. (2008) Ten canonical buildings 1950-2000: Rizzoli New York.

– Freud, S. (1953). The Standard Edition of the Cmplete Psychological Works of Sigmond Freud. Vol.23. p: 300. Cited by Victor Burjin. (1991). Geometry and Objection. Published by Springer.

– Fornell, C &, .Larcker, D. (1981) .Evaluating structural equation models with unobservable and measuring error. Journal of High Technology Management Reasearch39-50.

– Gump, Paul V., & Adelberg, Bettina (1978), Urbanism from the perspective ofecological psychologists, Environment and Behavior, Vol. 10 No. 2, Sage Publication,Inc.

– Hall, E. T. (1966), The hidden dimension. New York: Doubleday

– Hawking, S. 2005. *A Briefer History of Time*. New York: Bantam Dell.

– Lafleur, W. R. (1974). Saigyō and the Buddhist Value of Nature. Part II. History of Religions, 13(3), 227-248

– Lahiji, N. (1997).Void and Memory. The Architecture of Libeskind in Berlin. ACSA International Conference. Berlin. Building as a Political Act.

– Marcolli, M. (2014). Plentiful Nothingness: The Void in Modern Art and Modern Science. Lecture at Century Books,.by M. M.

– Oyamatsu, k. (2013). The pesence of absence. Thesis in University of Michigan. Ann. department of psychology ((Center for Chinese Studies).

– Proshnsky, H., & Fabin, A. (1986), Psychological aspects of the quality of urban life.In D. Frick (Ed.), The quality of Urban Life (pp. 19-29). Berlin: Walter de Gruyter

– Saner, M.(2014). Philosophy of Void: Ankara Hippodfromeanf After. Middele East Technical University.

– Smithson, A. & Smithson, P. (2005). The charged void: urbanism: Monacelli Press New York.

– Sommer, R. (1987), Dream reality and the future of environmental psychology. In D.

– Stokols & I. Altman (Eds.), Handbook of Environmental Psychology (pp. 1489-1512).New York: Wiley.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]

– Viviana M, Saint-Cyr (2012), Creating a Void or Sublimation in Lacan. Recherches en psychanalys, Journal of Psychoanalytic Studies.pages:15-21.
– Zizek, S. (1993). Tarrying with the Negative: Kant, Hegel and the Critique of Ideology.DUKE. University press.psychology (vol. 4, pp. 1-122). New York: Holt, Rinehart and Winston.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1399.9.33.4.6]
[DOI: 10.29252/hafthesar.9.33.43]